

Civil society is the role-playing concept of a society consisting of different people and groups in the form of an institutionalized structure that can function independently and separate from the government. Freedom of participation, right to access information transparency, freedom of parties and gatherings, freedom of media are the most important criteria of a civil society. Therefore, it seems that the civil ideological discourse and the authoritarian political structure and the lack of full implementation of the capacities of the constitution in the administration of the country restricting the civil society as well as the creation of a free economic structure and an open political space can help to implement this type of society. Despite the emphasis of the constitution on the widespread presence of people in the public arena in order to crystallize the ideal of the Islamic revolution, the realization of civil society in the western way in the Islamic Republic of Iran is facing executive and supervisory challenges due to the specific type of governance system in the country. Therefore, in the present article, we seek to answer the basic question of what are the obstacles and platforms for the realization of civil society in Iran, although it seems that the special form of governance based on Islamic principles and the leadership of the jurists in the country's governance structure has two rules. It is opposite to the form of civil society in the West. This article has been compiled in a descriptive analytical and library method.

بسترها و موانع تحقق جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران

علیرضا امینی^۱ تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۵علیرضا یاری^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۵

چکیده

جامعه مدنی به مفهوم نقش آفرینی جامعه ایی متشکل از افراد و گروه های مختلف در قالب یک ساختار نهادینه شده می باشد که به طور مستقل و جدایی از مهاده دولت بتواند کارایی خود را داشته باشند. آزادی مشارکت، حق دسترسی به شفافیت اطلاعاتی، آزادی احزاب و تجمع ها، آزادی رسانه مهمترین معیارهای یک جامعه مدنی می باشد. بنابراین به نظر می رسد گفتمان ائیدولوژیک مدنی و ساختار سیاسی اقتدارگرا و عدم اجرای کامل ظرفیت های قانون اساسی به طور کامل در اداره کشور محدود کننده جامعه مدنی و همچنین ایجاد ساختار اقتصادی آزاد و فضای باز سیاسی بتواند به پیاده سازی این نوع جامعه کمک کند. با وجود تاکید قانون اساسی به حضور گسترده مردم در صحنه اجتماع جهت تبلور آرمان انقلاب اسلامی اما تحقق جامعه مدنی به شیوه غربی در جمهوری اسلامی ایران به دلیل نوع خاص سیستم حاکمیتی در کشور با چالش های اجرایی و نظارتی روبه رو می باشد. بنابراین در مقاله حاضر ما به دنبال پاسخگویی به این سوال اساسی هستیم که موانع و بسترهای تحقق جامعه مدنی در ایران کدامین هستند، هر چند که به نظر می رسد که شکل خاص حاکمیتی مبتنی بر مبانی اسلامی و رئیسیت ولایت فقیه در ساختار حاکمیتی کشور دو قاعده متضاد با شکل حاکمیت جامعه مدنی در غرب باشد. مقاله حاضر به شیوه تحلیلی توصیفی و به روش کتابخانه ای تدوین گردیده است.

کلید واژگان

قانون اساسی، ولایت فقیه، حاکمیت اسلامی، همبستگی اجتماعی، مشارکت سیاسی

^۱استادیار دپارتمان علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

Aminialireza1335@gmail.com

^۲دانشجوی دکترا علوم سیاسی گرایش جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

Alireza.ari338@gmail.com

در تاریخ معاصر ایران، جامعه در زمینه شکل‌گیری جامعه مدنی با موانع سرسختی روبه‌رو بوده است به طوری که راه دشواری را در استقرار جامعه مدنی پیموده است. هدف از طرح این مقوله، چگونگی شکل‌گیری بسترها و آسیب‌شناسی جامعه مدنی در ۴۰ سال اخیر در ایران می‌باشد. از ویژگی‌های جامعه مدنی، مشارکت بالای سیاسی و اجتماعی توده‌های مردم در تصمیم‌گیری‌های کلان، بالا بودن فهم و شعور سیاسی جامعه، قانون‌مداری، تحرک سیاسی و اجتماعی، وجود فضای باز سیاسی، عدم تمرکز قدرت، نقد‌پذیری منابع قدرت، رقابت سیاسی سالم، تگت‌گرایی، وجود فضای دموکراتیک را می‌توان نام برد. شکل‌گیری این خصیصه‌ها، مستلزم ایجاد بسترهای مناسب در جامعه است. وقتی از جامعه مدنی حرف می‌زنیم باید در نظر داشته باشیم که جامعه مدنی یک سری مشخصه‌ها و ویژگی‌های مخصوص به خود را دارد. حال سوال اینجاست که در استقرار و تحقق جامعه مدنی بعد از پیروزی انقلاب ۵۷ ایران تا ۹۸) آیا قانون اساسی برآمده از این انقلاب که در سال ۵۸ تدوین شد در طی این چهل سال توانسته است حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی شهروندان را تحقق ببخشد و پیاده‌سازی کند، یعنی آن شاخصه‌ها را تحقق ببخشد و رعایت کند و ویژگی‌های یک حکمرانی خوب را که در آن یک پل ارتباطی خوب و مطمئن بین بخش خصوصی و بخش عمومی (دولت) از یک طرف و جامعه شهروندان از طرف دیگر ایجاد کند که در آن رابطه دولت و مردم بر اساس تعامل و وضعیت دو سویه (mutual) و متعادل باشد. یا نقش جامعه (مدنی) و مردم و اصناف و تشکل‌ها در این ۴۰ سال پر رنگ و با اهمیت شده است؟ آیا قانون‌مداری و قانون‌گرایی و شهروند‌گرایی (بنیان‌ها و اساس جامعه مدنی) در این ۴۰ دهه به خوبی که همان نیت قانونگذاران بوده، بدون تفسیر اجرا شده است؟ همان‌طور که می‌دانیم وجود قوانین، شرط لازم است ولی کافی نیست، به این معنا که جامعه مدنی تحقق نمی‌یابد مگر اینکه اعمال قانون برای همه آحاد مردم، نهاد‌های دولتی و غیر دولتی شکل بگیرد. همان‌طور که گفتیم جامعه مدنی شاخصه‌ها و مولفه‌ها و پارامترهایی دارد که به عنوان مثال یکی از آنها واگذاری امورات به بخش خصوصی است که در سیاست‌گذاری‌های اصل ۴۴ قانون اساسی به آن پرداخته شده است که تصریح می‌کند که نظام اقتصادی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی، برنامه‌ریزی و تنظیم شده است. که در محدوده قوانین اسلام فعالیت می‌کنند و در این چارچوب موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور می‌شوند که در صورت اجرای کامل این اصل، اختیار و وظیفه دولت صرفاً در حد سیاست‌گذاری و نظارت می‌باشد یعنی به طور قابل توجهی حجم دولت کم می‌شود پس در هر زمان و مکانی که اختیارات دولت‌ها محدود و کم می‌شود، جامعه مدنی و شهرونی در واگذاری‌های اصولی و منطقی به همان میزان تقویت می‌شود و نقش مردم و تشکل‌ها، سندیکاها، اتحادیه‌ها، سمن‌ها بیشتر می‌شود و جامعه قوی‌تر می‌شود و دولت کوچک صرفاً نقش سیاست‌گذاری و هدایت را بر عهده می‌گیرد، وقتی دخالت‌های دولت و اختیارات آن کم شد، در عوض اختیارات و نفوذ احزاب و اصناف و تشکل‌ها و نهادها بیشتر می‌شود و جامعه مدنی در این

صورت خود به خود قوی تر و نیرومند تر می شود که البته تحقق این امر در عصر مدرنیسم و جهانی شدن در گرو نهادینه شدن مسولیت های مدنی و شهروندی در اذهان عموم مردم و دولت مردان می باشد.

مفهوم جامعه مدنی^۱

در مورد مفهوم جامعه مدنی تعریف درست و روشنی وجود ندارد. از نظر هگل و مارکس جامعه ی مدنی مفهومی است مستقل از قدرت سیاسی که خواهان محدودیت و کنترل دولت می باشد.^۲ در اندیشه مارکس جامعه مدنی همان جامعه طبقاتی بورژوازی است. این جامعه محصول عمل تاریخی طبقه ای است که با طرح شعار حقوق عام انسانی به مقابله با امتیازات دوره دولتهای مطلقه برخاست و موانع رشد خود را از پیش پای برداشت. اما حقوق و آزادی به دست آمده را برای حفظ علایق طبقاتی خاص خود مورد استفاده قرار داد. جامعه مدنی نزد مارکس به حوزه روابط اقتصاد تشکیل دهنده زیربنای مادی محدود می شود که دولت و سایر اشکال روبنایی بر آن استوارند.^۳

اما فارغ از نگاه های متفاوت به نظر می رسد که جامعه مدنی شبکه ای از نهادهای مدنی با ماهیت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ارتباطی که در گسترهای میان حوزه خصوصی و حوزه حکومتی، به عنوان نهادهای واسطه ای و میانی فعالیت می کنند. ویژگی بارز این نهادها و تشکلهای، عدم وابستگی به ساختارهای رسمی و غیررسمی جامعه و برخورداری از استقلال نهادی و تشکیلاتی است. نهادها و تشکلهای مدنی دارای کارکردهای گوناگون می باشند. از سویی ناظر بر عملکرد نهادهای عمومی بوده و از سوی دیگر نیز پیام های دولت را به مردم و مطالبات مردم را به دولت منعکس می کنند و در نهایت سبب بروز کنش ها و واکنش هایی متقابل میان این دو متغیر می شود.^۴

در یک دید تاریخی مفهومی در معنا و محتوی جامعه مدنی باید بگویم که این مفهوم در مکاتب لیبرالیسم، پلورالیسم و سکولاریسم و همچنین در اندیشه سیاسی اسلام، معنای جدا گانه و پارا دو کسیکال پیدا می کند و پیشینه ی تعاریف مختلفی دارد به طوری که جامعه ی مدنی در نزد ارسطو به مفهوم دولت در مقابل خانواده به کار رفته است. در اندیشه روسو، جامعه ی مدنی جامعه ای است که مردم به قراردادهای و پیمان های اجتماعی پایبند و وفادار هستند و گردش آزاد اطلاعات وجود دارد. در فلسفه سیاسی هگل، جامعه مدنی فضایی است که انسانها در جستجوی ارضای نیازهای خود در قالب یک چهارچوب تعریف می کنند که به اصطلاح جامعه ی فعالیتهای سوداگرایانه و سود جویانه است و دولت، پدیده ای جدا از جامعه مدنی است. از نظر هابز، جامعه مدنی نتیجه قرارداد اجتماعی است متتها قرار دادی یکجانبه تحت شرایط طبیعی که انسانها در جنگ دایم هستند، تحت این شرایط بخشی از حقوق و اختیاراتشان را به فرد یا مجمعی که عهده دار امنیت و

^۱ Civil Society

^۲ کهنه پوشی، مصلح، ویژگی های جامعه ی مدنی و پیامدهای آن، مجله زریبار، شماره ۵۶ و ۵۷، ص ۱۶

^۳ دفتر مطالعات سیاسی، تأثیر جامعه مدنی بر روند سیاستگذاری خارجی، نشر دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، حر دارد

۱۳۸۴، ص ۴

همان ص ۵۴

حیات جامعه باشد از طریق این قرار داد واگذار می کنند وحق چالشگری و معارضه جویی را از خود سلب می کنند... جامعه مدنی از نظر مارکس، جامعه عاری از طبقات و دولت است یعنی جامعه مدنی به معنای حقیقی خودش که در آن انسانها مستقیماً سر نوشت خود را تعریف می کنند و بلاخره جان لاک، ویژگی اساسی جامعه مدنی را، استقرار حکومت مدنی با رضایت افراد می داند اما در تفکر یونان باستان به ویژه در آثار ارسطو جامعه مدنی را مساوی دولت (دولت-شهر) می بینیم در حالیکه بر داشت امروزی از جامعه ی مدنی بر تقابل آن بادولت استوار است.

نظارت مردم بر دولت به عنوان عامل ایجاد و ترقی جامعه مدنی

در مفهوم گسترده، «نظارت فرایندی است که در جریان آن ناظر باید براساس آیین نامه و مقررات و دستورالعمل های صادر شده اقدامات نظارت شونده را ارزیابی کند و تطبیق آن چیزی که هست با آن چیزی که باید باشد را بسنجد»^۱. نظرات را به روش های گوناگون دسته بندی کرده اند که معمول ترین آن تقسیم به نظارت رسمی و نظارت عمومی است. نظارت عمومی را می توان نظارت متقابل مردم بر یکدیگر و مردم بر دولت دانست. تا به موجب آن اعمال این دو نهاد اجتماعی بر طبق موازین شرعی و قانونی انجام شود. یکی از مهم ترین ابزار نظارت عمومی سازمان های غیردولتی است.^۲

در برهه ی کنونی، فعالیت جامعه ی مدنی در سراسر جهان به قدری وسیع شده که در نقش نیرویی قابل توجه و مؤثر در سیاستگذاری و نظارت بر اداره ی امور مطرح است. جامعه ی مدنی نیرومند و مستقل و ماهر که آزادانه فعالیت کند و از حقوق بشر مطلع باشد عنصری اساسی در تضمین حمایت پایدار از حقوق بشر در سطح ملی است. بنابراین، فعالان جامعه ی مدنی شرکای اساسی در نظام حقوق بشر و دسترسی به عدالت اند.

امروزه سازمان های غیردولتی جایگاه رفیعی در نظام های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی در سطوح ملی و بین المللی دارند. در چند دهه ی گذشته، تعداد و نقش سازمان های غیردولتی چه در جوامع صنعتی و چه در کشورهای در حال توسعه، به سرعت در حال افزایش بوده است. این سازمان ها فعالیت هایی چون ارائه ی خدمات و تبلیغات و آموزش نظری برای افزایش آگاهی های مردم، سیاست مداران و قانون گذاران، ایفای نقش گروه نفوذ برای رساندن صدای مردم به ویژه گروه های محرومین چون زنان، بسیج منابع، ارتباطات و شبکه سازی، پژوهش و به طور کلی طیف گسترده ای از فعالیت ها از حمایت مالی تا فعالیت های توسعه ای و رسانه ای را بر عهده می گیرند.

^۱ صفرخانی، حسن، در «نقض و جایگاه سازمان های غیردولتی در امر نظارت و مبارزه با فساد»، علیرضا دیبیم، بولیتن پژوهشی

مرکز پژوهش و برنامه ریزی سازمان بازرسی کل کشور، ۱۳۸۷، ص ۴.

^۲ همان.

«حق ایجاد تشکل های مردمی از حقوق اساسی»^۱ محسوب می شود؛ در کشور ما نیز مشارکت مردمی در چارچوب اصول و ضوابط مردم سالاری اسلامی مطلوب شناخته شده و «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»^۲ نیز بر مشارکت مردمی و تمرکززدایی تأکید دارد. سیاست عدم انحصار دولتی سازمان ها و افراد بیشتری را وارد تصمیم گیری می کند و عناصر نظارتی بیشتری را در برنامه ریزی و سیاست گذاری وارد می کند. بدیهی است که در چنین شرایطی مسئولان باید پاسخگویی عملکرد خود در برابر سازمان ها، انجمن ها و مجامع باشند.^۳

اهمیت مشارکت جامعه و بخش غیردولتی در مبارزه با فساد تا آن اندازه مهم است که کنوانسیون مقابله با فساد سازمان ملل متحد در ماده ی ۱۳ به این موضوع پرداخته است. در این ماده بر ارتقای شفافیت و مشارکت مردم در فرایند تصمیم گیری و همچنین تضمین دسترسی مردم به اطلاعات و برنامه های آموزشی تأکید شده است.^۴

سازمان های مردم نهاد به نقش پل ارتباطی بین شهروندان و دولت را دارند. این سازمان ها می توانند به تبیین و تجمیع منافع شهروندان، نظارت بر اجرای عدالت و پاسخ گو کردن دستگاه اجرای و قضائی از طریق تجهیز عموم مردم و نمایندگان مجلس به اطلاعات لازم و نیز بررسی آثار سیاست های ویژه ی دولت و سیاست های مختلف در حوزه ی قضائی بپردازند. برای افزایش تعداد سازمان های مردم نهاد و گسترش حضور مردم در آن ها، دولت باید موانع حقوقی بازدارنده را تا حد امکان کاهش دهد. مالیات های تعلق گرفته به آنان را ببخشد و در واقع به سوی آسان سازی تشکلیشان گام بردارد.

تعداد زیادی از سازمان های غیردولتی تلاش می کنند با ارائه ی راهکارهای اجرائی و یا نظری در زمینه های مختلف دست به سیاست گذاری یا قانون گذاری بزنند.^۵ در حوزه ی نظارت بر عملکرد دستگاه قضائی نیز، این سازمان ها با شناخت چالش های موجود می توانند با جمع آوری اطلاعات و ارائه ی آن به دولت و مجلس در اتخاذ سیاست های ضدفساد مؤثر باشند. سازمان های غیردولتی می توانند با تشکیل تیم های

۱. دیهیم، علیرضا، «نقض و جایگاه سازمان های غیردولتی در امر نظارت و مبارزه با فساد، بولتن پژوهشی مرکز پژوهش و برنامه ریزی سازمان بازرسی کل کشور؛ ۱۳۸۷؛ ۳۰».

۲. اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی بر آزادی احزاب، جمعیت ها و انجمن های سیاسی و صنفی و اقلیت های دینی شناخته شده تصریح دارد. قوانین موضوعه همچنین حق تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها را به رسمیت می شناسد. این مهم ناشی از اصل آزادی های فردی است که موجب به رسمیت شناختن حقوق اساسی مردم توسط دولت می باشد. طبق اصل ۵۶ قانون اساسی: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس نمی تواند این حق الهی را از انسان سلب کند». حاکمیت مردم در تعیین سرنوشت خویش ایجاب می کند تا مردم بتوانند این حق را از طریق تشکل های مسالمت آمیز که با اصول قانونی و اساسی در تضاد نباشد اعمال کنند. چنین حقی عام و شامل پیگیری خواسته ها و حقوق اساسی، انسانی و اجتماعی است. بنابراین، تشکل های مردمی ناشی از حقوق اساسی است.

علیرضا دیهیم، همان، ص ۲۹.

۳. همان، صص ۸-۹.

۴. همان، ص ۵.

۵. همان، ص ۲۶.

کارشناسی و مجرب در حیطه های مورد نیاز دستگاه قضا پژوهش های کلی و یا موردی انجام دهند و نتایج آن را در اختیار بخش قضائی قرار دهند یا به اطلاع عموم برسانند. این امر علاوه بر افزایش آگاهی عمومی می تواند باعث ارتقای کارایی قوه ی قضائیه شود. با وجود این، سازمان های غیردولتی هنوز از جایگاه مناسبی در نظارت سیاست گذاری، برنامه ریزی، اجرا و کنترل برخوردار نیستند، به ویژه در حوزه ی نظارت و مبارزه با فساد نهادهای مختلف.

نقش جامعه مدنی در مبارزه با فساد و سلامت

حقیقتی که موفقیت آمیز بودن آن بارها مورد تأکید کشورهای موفق در امر مبارزه با فساد و سازمان های بین المللی فعال در این حوزه قرار گرفته است. از جمله می توان به موارد اشاره شده در کارگاه های آموزش برگزار شده در پنجمین همایش جهانی مبارزه با فساد در آفریقای جنوبی در خصوص «نقض جامعه مدنی در مبارزه با فساد»،^۱ «نظام سلامت در جامعه مدنی»^۲ و «نقش رسانه ها در زمینه مبارزه با فساد»^۳ اشاره نمود که به برخی از مهم ترین نکات ارائه شده در این خصوص اشاره می گردد:

- پاسداری از سلامت بوسیله مراقبت و نظارت بر مراکز اداری که در معرض فساد قرار دارند.
- مساعدت در اتخاذ و شکل گیری شیوه های درست قانونگذاری و در راستای ارتقای سیاست پاسخگو بودن دولت.
- حمایت از قربانیان فساد از طریق ارائه خدمات مشاوره ای، حقوقی، وکالت و انجام امور تبلیغی و اطلاع رسانی.
- نظارت بر اجرا و ارزیابی تعهدات ناشی از تصویب کنوانسیون های مرتبط با فساد در سطوح ملی و منطقه ای.
- انجام صحیح امور در سازمان های غیردولتی به نحوی که خود را بعنوان الگویی از صداق و حکمرانی خوب^۴ در معرض دید جامعه قرار دهند.^۵

1 . Workshops on Sub – Thematic Areas, Setting the Stage for non – State actors , Role of Civil Society, Global Forum V on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity , South Africa 2007.

2 . Workshops on Sub – Thematic Areas, Setting the Stage for non – State Actors , Integrity System for Civil Society, Global Forum V on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity, South Africa 2007.

3 workshops on Sub – Thematic Areas, Roundtable , Role of Media in Combating Corruption, Setting the Stage for non – State actors, Integrity System fir Civil Society. Global Forum V on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity, South Africa2007.

4 . Goof Governance.

5 . Kim. South Korea, Workshops on Sub – Thematic Areas, Setting the Stage for non- State actors , Role of Civil Society. Global Forum V on Fighting Corruption and Safeguarding Integrity, South Africa 2007.

- جمع آوری اطلاعات مربوط به موارد فساد و افراد فاسد (منعکس شده در جراید، روزنامه ها و وسایل ارتباط جمعی) و ایجاد بانک اطلاعاتی.
- ارائه آموزش های لازم به مراکز دولتی و خصوصی و عموم جامعه در خصوص اثرات فساد و روش های مقابله با آن.
- همکاری با سازمان های مردم نهاد در سطوح منطقه ای و بین المللی و سایر نهادها و سازمان های بین الدولی و جهانی در این خصوص.
- ارائه مشاوره های تخصصی در زمینه تهیه و تدوین کدهای رفتاری در بخش های دولتی و خصوصی.
- ارائه راهکارهای مبارزه با فساد و آموزش کدهای رفتاری به رهبران شرکت های پیشرو مهم در زمینه بازرگانی.
- خدمات آموزشی و تهیه کدهای رفتاری و انجام مشاوره های تخصصی به شرکت های متوسط و کوچک.^۱

همچنین حق دسترسی به اطلاعات یک مفهوم حقوق بشری دارد که می بایستی بوسیله قوانین داخلی و از طریق مراجع دولتی مورد حمایت قرار گیرد و حال آنکه بسیاری از دولتمردان در برابر این دو ضرورت مقاومت می کنند. در برزیل جامعه مدنی نقش مهمی در دسترسی مردم به اطلاعات ایفا نموده است که در این راستا از اینترنت بعنوان یک ابزار قوی برای انتقال اطلاعات به هر شخص و در هر مکان و زمان استفاده گردیده است. گرچه هنوز اینترنت در دسترس بخش قابل توجهی از مردم نمی باشد، اما میزان دسترسی عموم به آن به صورت قابل توجهی در حال رشد می باشد. در عین حال، لازم است به این امر توجه لازم صورت گیرد که جوامع مدنی می بایست اطلاعات موجود در بخش دولتی را برای مردم «کاربرپسند»^۲ نمایند. زیرا همه اطلاعات تحت تسلط دولت، قابلیت استفاده برای مردم را ندارند.

اصول حاکمیت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشریح (قانونگذاری) را ابتدا به خدای یکتا اختصاص داده و در ثانی وحی الهی را عاملی برای بیان قوانین بر شمرده است و در مرحله سوم در ادامه تشریح و حاکمیت الهی، حاکمیت انسانی را پذیرفته و قوای سه گانه را ناشی از حق حاکمیت انسان بر سرنوشت اجتماعی او دانسته است. این قانون، اداره امور کشور در جمهوری اسلامی را با اتکاء به آراء عمومی می داند. بر این مبنا منشأ کلیه قوا و امور و شئون کشور باید به طور مستقیم یا غیرمستقیم، بر اساس رأی و نظر مردم باشد، از جمله قوهی مقننه جمهوری اسلامی، نهادی است که ریشه در آراء عمومی دارد و بر طبق ضوابط اساسی مدون سهم قابل

1. Small and Medium Enterprises (SMES)

2. User Friendly

توجهی از حاکمیت در نظام سیاسی کشور را اعمال می‌نماید. قوهی مقننه حق خدادادی مردم و مظهر ارادهی عام ملت است که در آن سرنوشت اجتماعی و سیاسی مردم رقم می‌خورد و برنامه‌ی زندگی آنان پس از برخورد اندیشه‌ها، کاوش‌ها و مذاکره، تبادل افکار و بالاخره کسب اکثریت آراء به صورت مجموعه‌ای مدون در مجاری اجرا قرار می‌گیرد.^۱

مطابق قانون اساسی، اعمال قوهی مقننه از سوی مردم به دو گونه پیش بینی شده است.

۱- غیر مستقیم و از طریق مجلس شورای اسلامی

۲- از راه مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به طور کلی اصول ذیل به عنوان اصول اساسی حاکمیت سیاسی شناخته شده اند. در اولین اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نوع حکومت اینگونه معرفی شده است: «حکومت ایران، جمهوری اسلامی ایران است» به موجب این اصل نظام سیاسی ایران برخوردار از نوعی ثنویت در حاکمیت می‌باشد. جمهوریت نمایانگر حاکمیت ملی و اسلامیت نشانگر حاکمیت دینی است.^۲

مطابق اصل دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او

۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین

۳- معاد و نقش سازنده آن در مسیر تکاملی انسان به سوی خدا

۴- عدل خدا در خلقت و تشریح

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام

۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه:

الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع شرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین

ب- استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها

ج- نفی هرگونه ستمگری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.

^۱ هاشمی، سید محمد (۱۳۹۱): حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (حاکمیت و نهادهای سیاسی) تهران. نشر میزان، جلد دوم،

ص: ۱۰۳

^۲ جوان آراسته، حسین (۱۳۸۰): مبانی حاکمیت در قانون اساسی، مجله فقه و اصول حکومت اسلامی، شماره ۲۱۰، ص ۶۹

بند(۶) از اصل سوم نیز در ارتباط با محور هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی بوده و یکی دیگر از پایه‌های اصلی حاکمیت سیاسی را در ایران معرفی می‌کند در این خصوص دولت موظف است برای نیل به این اصل، همه امکانات خویش را به کار گیرد.

یکی دیگر از اصول حاکمیت سیاسی در ایران اصل چهارم است که به مبتنی بودن قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی پرداخته است این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است.

مطابق اصول متعددی از قانون اساسی مانند اصول ششم، هفتم و نهم «مردم سالاری» و «آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور و تفکیک ناپذیری آنها از یکدیگر» از دیگر اصول حاکمیت سیاسی در ایران است. رعایت حقوق ملت و برابری انسان‌ها در اصول ۱۹ تا ۴۲ قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته اند، در نهایت باید به اصل ۵۶ اشاره کرد که بیان می‌دارد در حاکمیت مطلق بر انسان و جهان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است.^۱

آزادی به عنوان رکن تشکیل جامعه مدنی

یکی از مهمترین مبانی شکل‌گیری و فعال نمودن جامعه مدنی عقیده واقعی به آزادی و تبیین آن در قانون می‌باشد. آزادی تشکیل احزاب و اعتراضات یکی از مهمترین مبانی این نوع آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی است. نخستین شرط وجود آزادی، برقراری امنیت و آرامش در جامعه است. در صورت فقدان امنیت، آزادی به هرج و مرج خواهد انجامید. برای این که از آزادی استفاده‌ی مطلوب به عمل آید، در قانون اساسی تمهیداتی جهت حفظ، تضمین و گسترش آزادی‌ها اندیشیده شده است.

در بند ششم و هفتم از اصل سوم، دولت جمهوری اسلامی موظف شده است جهت نیل به اهداف اصل دوم قانون اساسی که یکی از آن‌ها ایمان به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا است به «محور هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی» و «تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون» بپردازد. علاوه بر این، رئیس‌جمهور سوگند یاد می‌کند که پاسدار مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشد و از هر گونه خودکامگی بپرهیزد و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است، حمایت کند. (اصل ۱۲۱)

آزادی مفهومی پر مناقشه است که در مکاتب مختلف برداشت‌های متفاوتی از آن شده و محدودیت‌هایی نیز برای آن بیان شده است که غالباً در اکثر نظام‌های سیاسی اجرا می‌شود. دانستن این محدودیت‌ها هم مرزهای آزادی را بیان می‌کند و هم حدود دخالت مراجع ذی صلاح در ایجاد این محدودیت‌ها را مشخص می‌نماید. این نوشتار در پی شناخت محدودیت‌های آزادی بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

^۱ موثق، آنایتا و اسماعیل پورفداکار، شاهین و ویسی، هوشیار و بهینا، مسیح، و صدری، علیرضا و صادقی زیاری، حاتم (۱۳۸۳): گزارش خلاصه‌ای از مطالعه تطبیقی مجالس قانونگذاری ایران و برخی کشورهای جهان (انگلستان، فرانسه، آلمان، آمریکا، آفریقای جنوبی، مصر و مالزی) شماره مسلسل ۷۰۲۴. دفتر مطالعات حقوقی ص: ۱۴

است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آزادی های مشروع را به رسمیت شناخته است و البته محدودیت های:

۱. لزوم رعایت و حفظ احکام
۲. مبانی و موازین اسلامی
۳. مصالح و حقوق عمومی
۴. استقلال، آزادی، وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور
۵. و اساس نظام را برای آزادی ها بیان کرده است.

باید گفت که اولاً این موارد علی رغم اینکه ظاهراً دارای قرابت معنایی هستند، ولی هر کدام معانی خاصی را ایفا می کنند و ثانیاً اگرچه این محدودیت ها، ذیل برخی آزادی ها بیان شده اند، اما قابل تسری به همه موارد آزادی هستند.^۲ در نتیجه همین مسئله خود یکی از چالش ها و محدودیت های اصلی در قانون اساسی برای تشکیل جامعه مدنی می باشد.

-آزادی تشکیل احزاب، انجمن ها و اجتماعات

مطابق اصل ۲۶ قانون اساسی: «احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آن ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن ها مجبور ساخت.» «از سویی چون تشکیل احزاب، انجمن ها و اجتماعات مستلزم فعالیت های گوناگونی، از جمله شرکت گسترده در امور سیاسی جامعه است، در اصل ۲۷ می خوانیم: «تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها، بدون حمل سلاح، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است».

بنابراین تشکیل اجتماعات و احزاب و انجمن ها آزاد است با این قید که اصول اساسی نظام جمهوری اسلامی یعنی استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین و مبانی اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی نقض نشود و به آن ها اختلال وارد نگردد. هم چنین تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها، باید بدون حمل سلاح صورت گیرد.

-آزادی بیان و مطبوعات

اصل ۲۴ می گوید: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می کند.» هم چنین در اصل ۱۵۷ آزادی بیان و نشر اندیشه ها در صداوسیما تأکید شده است: «در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور، باید تأمین گردد».

^۱ قطبی، میلاد، بهادری جهرمی، علی، محدودیت های آزادی در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال پنجم، شماره دهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۵۵

^۲ همان

اصل نظارت همگانی یا امر به معروف و نهی از منکر در روابط متقابل مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت، از جمله مصادیق آزادی بیان است. اصل هشتم می‌گوید: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده‌ی مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت». آزادی بیان و مطبوعات بخشی از آزادی‌هایی هستند که برای رشد و تعالی انسان به سوی مبدأ هستی در اختیار آدمی قرار گرفته‌اند. این آزادی‌ها از ضروریات زندگی جمعی به‌شمار می‌آیند و وسیله‌ای برای تضارب اندیشه‌ها، مبادله‌ی اطلاعات و انتقال میراث بشریت‌اند.

هم‌چنین می‌توان به موارد فوق، آزادی اظهارنظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی را نیز اضافه کرد. مطابق اصل ۸۶ «نمایندگان مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی در اظهارنظر و رأی خود کاملاً آزادند و نمی‌توان آن‌ها را به سبب نظراتی که در مجلس اظهار کرده‌اند یا آرای که در مقام ایفای وظایف نمایندگی خود داده‌اند تعقیب یا توقیف کرد.» در اصل ۸۴ نیز می‌خوانیم: «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه‌ی مسایل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر نماید.» نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مواردی که لازم بدانند، می‌توانند هیئت وزیران یا هر یک از وزرا یا رئیس‌جمهور را استیضاح کنند و هرگونه پرسشی که دارند از آنان بپرسند و آنان موظف به پاسخ‌گویی هستند. (اصل ۸۹)

درباره‌ی حیطه‌ی خصوصی و فردی در مکالمات و مکاتبات اصل ۲۵ می‌گوید: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق‌سمع و هرگونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون.» بدیهی است اعمال چنین کارهایی از سوی دولت علاوه بر این که نیازمند امکانات فراوانی است، دولت را از انجام وظایف اساسی که بر عهده دارد، باز می‌دارد، منجر به نارضایتی شهروندان گشته و دخالت در زندگی خصوصی و فردی دانسته می‌شود.

موانع چالشی بستر جامعه مدنی در ایران

۱. تبلور حاکمیت اسلامی در قانون اساسی

الف: تاکید بر سیستم حاکمیتی اسلامی

با پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ و سقوط نظام سلطنتی، مهمترین مانع در راه تحقق خواسته ملت ایران در زمینه استقرار جمهوری اسلامی و حاکمیت قوانین اسلامی از میان رفت، اما برای تحقق عینی این خواسته لازم بود که رهبران انقلاب براساس سازوکارهای پذیرفته شده در جهان، نظام حکومتی که هم دارای مشروعیت باشد و هم دارای مقبولیت مردمی بنیان گذارند. ازاینرو حضرت امام (ره) در همان اوایل و در اولین گام پیروزی انقلاب موضوع برگزاری رفراندوم برای تشکیل نظام جمهوری اسلامی را مطرح کردند. در این میان عده‌ای از غرب‌زدگان زمزمه تشکیل جمهوری دمکراتیک یا جمهوری دمکراتیک اسلامی را سر دادند، اما امام خمینی (ره) با قاطعیت اعلام کردند که خواسته مردم تشکیل جمهوری اسلامی استنه یک کلمه زیاد و نه یک کلمه کم. سرانجام همه پرسشی جمهوری اسلامی، در روزهای ۱۱ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸ برگزار

شد و ۹۸/۲ درصد مردم ایران به جمهوری اسللامی ایران رای آری دادند.^۱ با تصویب قانون اساسی مهمترین قدم در راه پیاده شدن احکام اسلامی و تحقق خواست مردم برداشته شد و چارچوب کلان اداره جامعه بر اساس اصول و ضوابط اسلامی ترسیم گردید. در اصول متعددی از قانون اساسی از جمله اصل چهارم، هفتاد و دوم، نود و یکم، نود و چهارم، نود و ششم، بر لزوم تدوین کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین و احکام اسلامی و عدم مغایرت با اصول و احکام مذهب رسمی کشور تأکید شده و با تعیین شورای نگهبان ضمانت اجرایی لازم برای تحقق این موضوع پیش بینی شده است.^۲ تفاوت اساسی در ماهیت قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران و در سایر نظام های غیردینی، علیرغم شباهت هایی که در ظاهر ساختارها که اقتضای نظام جمهوری است وجود دارد مربوط به ماهیت این نظام است که ماهیتی اسلامی است. مردم سالاری حاکم بر جمهوری اسلامی ایران، دینی و مبتنی بر تعالیم دین مبین اسلام است و از همین رو است که خواست و اراده مردم نه مستقلاً، بلکه در سایه سار تعالیم دین می تواند در عرصه های گوناگون حکومت از جمله قانونگذاری مؤثر باشد.^۳ همین عامل یکی از چالش های جامعه مدنی می باشد.

ب: ولایت فقیه

اگر بخواهیم شکل جامعه مدنی را با آنچه که در غرب است مقایسه تطبیق دهیم به تبع وجود رهبری فقیه و ولایت فقیه در تقابل با توده جامعه مدنی قرار می گیرد. همانگونه که در بند قبل نیز بیان گردید رکن اساس تشکیل دهنده جمهوری اسلامی ایران پابندی به اسلام و احکام اسلام است و حکومت اسلامی اداره خود را از طرق نظارت یک فقیه و مجتهد آگاه در سطح کلان و خرد انجام می دهد.

تلقی ما از جامعه مدنی متغیری وابسته نسبت به تلقی ما از ولایت مطلقه است. به همین نسبت اگر ولایت مطلقه را به این معنا بگیریم که رهبر حکومت اسلامی اختیاراتی مافوق قانون اساسی دارد، باید در برداشت خود از جامعه مدنی تصرفاتی انجام دهیم. بدی‌هی است اگر عنصر قانون‌گرایی از جامعه مدنی گرفته شود، این مفهوم مهمترین عنصر ذاتی خود را از دست می دهد و نامیدن باقی مانده به عنوان جامعه مدنی خالی از لطف خواهد بود.^۴

۲. شاخصه های جامعه مدنی و چالش های آن

^۱ دفتر مطالعات بنیادین حکومتی، ماهیت قانون در قانون جمهوری اسلامی، چاپ توسط مرکز پژوهشها مجلس شورای اسلامی،

بهمن ۱۳۹۴، ص: ۱۱

^۲ همان، ص: ۱۲

^۳ همان، ص: ۱۴

^۴ حقیقت، سید صادق، چالش‌های نظری جامعه مدنی در حکومت اسلامی، تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران (مجموعه

مقالات)، تهران، سازمان مدارک انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶

الف: مشارکت اجتماعی¹

به نظر گائوتتری، مشارکت اجتماعی، فرایند اجتماعی، عمومی، یکپارچه، چندگانه، چند بعدی و چند فرهنگی است که هدف آن کشاندن همه مردم به ایفای نقش در همه مراحل توسعه است. مشارکت اجتماعی در کل عبارتست از شرکت فعال و سازمان یافته افراد و گروههای اجتماعی در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه به نحوی که:

۱- "حداکثر قدرت جمعی از طریق بسیج همه امکانات و قوای جمع حاصل آید"؛ و

۲- "از طریق مشارکت همه جانبه افراد و گروههای اجتماعی، پیوندها و انسجام اجتماعی استحکام یابد"؛ و

۳- "امکان بلوغ و شکوفایی استعدادها و تکامل و توسعه فردی و اجتماعی فراهم آید".

مشارکت را می توان میزان دخالت اعضای نظام اجتماعی در فرایند تصمیم گیری، برانگیختن حساسیت مردم در ادراک و توانمندی در پاسخگویی به طرح های توسعه در ابعاد گوناگون یا فرایندی در راستای باروری نیروی تصمیم گیری و موجبات رشد و توانایی اساسی بشر دانست. حال یکی از چالش های اساسی در قانون اساسی نیز همین است. رویه حداکثری مشارکت مردم در قانون اساسی و در ساختاری سیستم سیاسی ما پیش بینی نگردیده بلکه اعمال و اقتدار حاکمیتی از طریق سه نهاد دیگر تجلی می یابد. مقصود ما از مشارکت مشارکت سیاسی و نهادی است. مقصود از مشارکت سیاسی جامعه مدنی میزان مشارکت افراد در رأی گیری ها، مشارکت در احزاب و مشارکت در تدوین برنامه ها می باشد. این مشارکت را می توان به دو نوع تقسیم کرد:

الف) مشارکت سیاسی عادی: این مشارکت را می توان از تعداد افراد رأی دهنده، میزان مطالعه و حجم خرید روزنامه ها، اطلاعات شهروندان از مسائل سیاسی و مانند آنها مورد اندازه گیری قرار داد.

ب) مشارکت سیاسی نقادانه: راهپیمایی ها، تجمع ها، انقلاب های سیاسی و ... را می توان نام برد.

ب: مشارکت انجمنی و رهبری مدنی

الف) رهبری مدنی: رهبری مدنی به میزان مشارکت افراد در گروهها، باشگاهها و انجمن ها و امور شهر یا مدرسه و نظایر آنها می پردازد.

ب) مشارکت انجمنی: منظور از مشارکت انجمنی آن است که افراد جامعه تا چه اندازه در انواع گروهها از قبیل: گروههای مذهبی، باشگاههای ورزشی، لیگ های حرفه ای و نظایر این ها فعالیت می کنند.

مشارکت سیاسی هر چند در قانون اساسی ما همانگونه که پیشتر بیان گردید تبیین گردیده است اما چالش اصلی ما در مشارکت سیاسی نقادانه است.

¹ خوزانی، محمد قاسمی، بهنام عطا، دهقانی، حسین، موسی زاده، حسین، بررسی نقش سرمایه اجتماعی شهر بیرجند با تأکید بر بعد مشارکت از دیدگاه شهروندان و مدیران شهری، حل انتشار: هفتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران (جغرافیای سیاسی شهر)، ۱۳۹۲، صص ۵۰۴ قابل دسترس در:

ضرورت نهادینه سازی سیاسی از بالا برای ایجاد مجاری ضروری مشارکت محدود، به طور کلی از اینجا پیدا می شود که نظام سیاسی بسته ای خود را مواجه با تحولات ناشی از نوسازی اجتماعی و اقتصادی به ویژه پیدایش گروه ها و افزایش خواست مشارکت و رقابت می بیند و این فضای رقابتی باید در یک ساختار نهادینه شده اجتماعی وجود داشته باشد که این مسئله در کشور ما خود یک چالش می باشد.^۱

ب: انسجام و همبستگی اجتماعی

انسجام اجتماعی از موضوعاتی است که از آغاز نظریه پردازی های اجتماعی همراه مفاهیمی چون نظم گرایی، همبستگی اجتماعی، اعتماد، قانون گرایی و احساس تعلق به جامعه مورد توجه بوده است. نظریه پردازان علوم اجتماعی، خصوصا جامعه شناسان پیشکسوت و بزرگی چون دورکیم، تونیس و پارسونز، این مفهوم را در کانون نظریه پردازی های خود قرار داده و به آن توجه ویژه ای کرده اند. مفهوم انسجام اجتماعی اهمیت محوری خود را تا کنون نیز در مباحث مهم جامعه شناسی حفظ کرده است، به طوری که دو پارادایم غالب در جامعه شناسی یعنی؛ نظم گرایی و ستیز گرایی و مباحث اخیر آنها، هرگز خالی از این مفهوم و مناقشات مرتبط با آن نبوده است. انسجام اجتماعی را در مقابل اختلال اجتماعی بکار می برند و اختلال اجتماعی با توجه به ابعدی که برای آن تعریف شده است.^۲ هر چند که قانون اساسی به طور روشن آزادی تجمعات، احزاب، انجمن ها و.... تبیین نموده است اما به دلیل عدم تدوین قوانین لازم در جلب مشارکت و ساماندهی احزاب و انجمن های مدنی هسته اولیه شکل گیری این مسئله خود دچار چالش جدی می باشد.

پ: توزیع نامناسب ثروت و تکیه بر اقتصاد نفتی

نحوه توزیع ثروت و درآمد از دغدغه های هر نظام اقتصادی است. به اعتقاد بسیاری از محققان نحوه ی توزیع درآمد محوری ترین عامل در رفاه اجتماعی و شکل دهی و انسجام جامعه مدنی می باشد. طبق فرضیه سایمون کوزینتس در فرآیند رشد و توسعه ابتدا نابرابری در توزیع درآمد بین افراد افزایش می یابد ولی بعد از گذشت مدت زمانی ثبات نسبی برقرار می شود و در نتیجه نابرابری کاهش می یابد.^۳ ثروت و کسب آن به تعبیری درآمد و توزیع مناسب آن یکی از شاخصه های سرمایه اجتماعی می باشد که تقسیم عادلانه آن می تواند به رفاه عمومی منجر گردد. یکی از مشکلات اصلی بستر سازی جامعه مدنی در ایران تاکید بر اقتصاد نفتی است. اقتصاد نفتی که سبب تک محوری شدن بنیان اجتماعی گردیده و تنها یک هسته اولیه و اساسی را به نام دولت را باقی می گذارد.

درآمدهای نفتی نقشی تأثیرگذار بر جامعه مدنی جامعه ایران داشته است. از سویی موجب رشد اقتصادی شده است که پیامدهای آن، فراختر شدن زمینه های رشد جامعه مدنی است. اما از سوی دیگر موجب بالاتر رفتن سهم اقتصادی دولت و در نتیجه ضعف بخش خصوصی، گسترش دستگاه

^۱ بشریه، حسین، موانع توسعه سیاسی در ایران، نشر کارنو، چاپ یازدهم، ۱۳۹۸، ص ۱۰۹

^۲ میرزا خانی، عبدالرحمان، درویشی، صیاد، بررسی رابطه انسجام اجتماعی با پیشگیری اجتماعی از جرم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۳، ص ۵۹

^۳ ورهرامی، ویدا، لایق گیگلو، جبار، لایق گیگلو، وحید، تاثیرات زکات بر توزیع درآمد در ایران طی سال های ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۰، دوفصلنامه علمی پژوهشی، جستارهای اقتصادی ایران، شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۹۵، ص ۱۰

بوروکراسی برای اداره درآمدهای نفتی، وابسته شدن همه قشرهای اجتماعی به درآمدهای دولتی، یعنی درآمدهای نفتی، و بی نیازی مالی دولت به مردم شده است. پس از انقلاب و در دوران جنگ، به سبب تحریم ها و کاهش تولید و لذا کاهش صادرات، سهم درآمدهای نفتی در بودجه کل کشور کاهش یافت. هرچند که همواره کاهش سهم نفت در نظر و برنامه دولتها قرار داشته است و در سالهای اخیر نیز تلاش می شود تا سهم درآمدهای مالیاتی در مجموع درآمدهای دولت نسبت به درآمدهای نفتی افزایش یابد.^۱

ج: اعتماد اجتماعی^۲

اعتماد اجتماعی عبارت است از درجه ای از شناخت و اطمینان نسبت به غیر (از نظر شخصیت، جایگاه، نقش اجتماعی و...) که زمینه ساز رابطه متقابل اجتماعی آسان تر، سریع تر، بی پیرایه تر و هدفمند تر استاین غیر می تواند یک فرد، نهاد، ساختار یا حتی یک امر انتزاعی باشد بدون تردید اعتماد اجتماعی یکی از جنبه های مهم روابط انسانی است که زمینه ساز مشارکت و همکاری میان اعضای جامعه می باشد اعتماد اجتماعی، مشارکت را در زمینه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه های مختلف جامعه افزایش می دهدتطور و تحول جوامع انسانی از حالت اولیه به مدرن در گرو پیچیدگی، تراکم روابط اجتماعی و ارتباط متقابل بوده است که اعتماد به گستردگی آن ها دامن زده است بدون وجود اعتماد نمی توان شاهد نظام های دموکراتیک، نظم و ثبات اجتماعی، تعادل و همبستگی و انسجام اجتماعی در جامعه بوداعتماد از پیش شرط های اساسی برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر جامعه ای محسوب می شود با بسط و گسترش فرهنگ اعتماد می توان به جای ارزش های منفی مانند دروغ، کلاهبرداری، چابولوسی، نفاق و غیره.. ارزش های اخلاقی مثبت مانند صداقت، راستگویی، انصاف، امانتداری، تعهد و شهامت را در جامعه پروراند.

اعتماد اجتماعی باید در میان نهادهای غیر انتفاعی در یک جامعه برای کار و هدف تاسیسی وجود داشته باشد که یک نهاد یا تشکل مدنی بتواند امنیت لازم را در ابتدای امر برای تاسیس و شروع و ادامه فعالیت خود ببیند. به نظر می رسد که در جمهوری اسلامی ایران این اعتماد وجود نداشته باشد.

ج: عدالت اجتماعی

در ارتباط با مفهوم عدالت، مفاهیمی چون برابری، انصاف و مساوات نیز مطرح می شوند که گاهی مترادف با آن و گاهی با مفهومی متفاوت با آن به کار گرفته شده اند. در واقع تحقق عدالت، سنگ پایه مشروعیت حاکمیت و

^۱ مسعود، زهرا، ساعی، احمد، آینده پژوهی جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش تحلیل ماتریس SWOT ، مجله رهیافت انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۶، صص ۲۸ و ۲۹

^۲ مصطفی پور، علی، عباد، علیرضا پور، عبدالله زاده، سیروان، بررسی رابطه ی اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی زندانیان شهرستان بوکان)، قابل دسترس در:

مبنای توجیه ضرورت وجود دولت تلقی می‌شود. در حقیقت، عدالت از مفاهیمی است که عقل جمعی همه افراد بشر، آن را مستحسن و نیکو می‌شمرد. عدالت اجتماعی که بر مبنای ترکیبی از دو عنصر برابری در فرصت‌ها و پذیرش شایستگی‌ها و قابلیت‌ها شکل می‌گیرد با تعریف تک‌عنصری برابری در همه امکانات و امتیازات، کاملاً متفاوت و متمایز است و سیاست‌های اجتماعی کاملاً متفاوت و در بسیاری از موارد متضادی را در پی دارد.^۱

از مهمترین موارد دیگری که می‌توانیم به عنوان شاخصه‌های اجتماعی به آن اشاره کنیم موارد زیر می‌باشد:

- برخورد با مخالفان
- پنداشت از دولت
- رعایت قانون
- آگاهی اجتماعی
- روابط بین نهادی
- نظم اجتماعی
- پیشرفت و توسعه اجتماعی
- ارزشهای اجتماعی است که به نظر می‌رسد از چالش‌های دیگر ما در تبیین یک جامعه مدنی باشد.

و: آزادی رسانه ای

طبق بند هشت اصل سوم قانون اساسی، یکی از امور برشمرده در این قانون مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اقتصادی خود است و دولت جمهوری اسلامی موظف است وسیله مشارکت مردم را فراهم کند و مشارکت مردم وقتی ممکن است که آگاهی پیدا کنند و یکی از زمینه‌های آگاهی مردم از اقتضائات سیاسی و اقتصادی خویش به حدود آزادی مطبوعات بستگی دارد. امر لازم اصل امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک اصل اعتقادی، شناخت و آگاهی از معروف و منکر است لذا یکی از بسترهای این اصل اعتقادی در عرصه عمومی مطبوعات مستقل، قوی، آگاهی‌بخش و آینده‌گراست. مطبوعات وسیله ابراز عقاید موافق و مخالف در همه زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که سبب انتخاب راه‌ها و تحلیل‌های درست و منطقی از انبوه تحلیل‌های سقیم و صحیح می‌شود.^۲ مطبوعات در کشور ما یکی از ابزارهای فرهنگی، مدافع و نشر دهنده ارزش‌های فرهنگ اسلامی ایرانی محسوب می‌شوند. بی‌تردید ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی با استفاده صحیح از مطبوعات امکان‌پذیر است. فعالیت آزاد مطبوعات در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سازنده و جهت‌دهنده افکار عمومی است و اصل آزادی مطبوعات و حدود و قیود آن در اصل ۲۴ قانون اساسی انعکاس یافته است به همین دلیل تحلیل

^۱ هزار جریبی، جعفر، بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی (۴۳)، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰، ص ۴۲

^۲ مالکی، جلیل، واعظی، زهرا، آزادی مطبوعات در منظر حق دسترسی آزاد به مطبوعات، مجله رهیافت، سال بیست و سوم، شماره ۴، ۱۳۹۱، ص ۶

مفاهیم به کار رفته در این اصل و تبیین دلالت های آن به منظور تعیین مبانی سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی در نشریات و مطبوعات در بیان « حوزه مطبوعات، ضروری است. مطابق اصل ۲۴ قانون اساسی بدین ترتیب در اصل « مطالب آزادند مگر آنکه مخل له مبانی اسلام و یا حقوق عمومی باشند ۲۴ قانون اساسی، اصل بر «آزادی مطبوعات» است و محدودیت های آن، به عنوان استثنای این اصل می بایست مورد توجه قرار گیرند. بخش مهمی از قانون مطبوعات فعلی نیز به تبیین و ذکر حدود و مصادیق و تدقیق اصل ۲۴ قانون اساسی اختصاص دارد.^۱ اما مسئله ای اصلی در آنجاست که مطبوعات و رسانه ها در ایران بیشتر به جای نشر افکار عموم مردم نقش تبلیغ برای دولت و گروه های وابسته به آن را بازی می کنند.

علاوه بر این، رسانه های جمعی از ابتدای ورود خود به ایران وابسته به دولت شدند و مضاف بر مطبوعاتی که مستقیماً تحت مالکیت دولتی بوده و توسط دولت و سازمان های دولتی اداره می شوند، سایر رسانه های غیر دولتی نیز برای ادامه حیات خود به کمک های اقتصادی دولت، مانند: یارانه و همچنین آگهی های دولت و سازمان های دولتی بستگی دارند. فقدان استقلال مالی رسانه ها و تکیه آن ها بر منابع حکومتی، باعث چشم پوشی آن ها از بیان نقاط ضعف و حذف مطالب انتقادی نسبت به دولت و سازمان های دولتی می شود.^۲ عدم انتشار فعال و داوطلبانه اطلاعات از سوی سازمان ها و اجازه ندادن به رسانه ها جهت حضور در نشست ها و جلسات، باعث می شود تداوم دسترسی رسانه ها به اسناد و مدارک آن ها کاری پرهزینه، طاقت فرسا، و بسیار کند شود. از این رهگذر، با تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از مصاحبه ها می توان بیان داشت که موانع پیشروی شاخص های مختلف رسانه در نظام ملی درستکاری در چهار بعد اصلی قابل دسته بندی است: موانع سیاسی، اقتصادی، قانونی و سازمانی.

نتیجه گیری

حاکمیت خوب حاکمیتی است که نشأت گرفته از قانون باشد و نهادهای وابسته به دولت همه منطبق با قانون وضع و انجام اعمال حاکمیتی کنند. اشخاص وابسته به آن نیز مطابق قانون وارد و عمل کنند. یکی از مهمترین چالش های اساسی در جمهوری اسلامی ایران خودبرتر بینی نهادهای وابسته به دولت و حاکمیت و عمل مطابق رفتار خواسته شده از جانب خود می باشد که همین مسئله در ابتدای امر اساس تشکیل یک جامعه مدنی را با چالش اصلی روبه رو می کند. جامعه مدنی در حال حاضر جامعه ای ساخته شده یا متشکل از احزاب، سمن ها، تشکل ها و گروه های شکل یافته از گروه های مردمی است که با اعمال قدرتی قانونی و متکی بر قانون قدرت حکومت را کاهش می دهند. این کاهش قدرت تنها ناشی از نظارت و حق نظارت و دسترسی به اطلاعات دولتی است. بنابراین جامعه مدنی ابتدا از توده های مردم شروع می گردد و سپس

^۱ همان

^۲ نجفیپور، شعبان، اخلاق در رسانه؛ چالشهای اساسی و توصیه های ملی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال نهم، شماره ۳،

خواسته های این توده ها در قالب سازمان های منسجم بیان و پیگیری می گردد. جامعه مدنی قدرت خود را از قانون می گیرد و قانون نیز الزامات یا به اصطلاح ضمانت اجرایی لازم را به آنها می دهد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با وجود آنکه بنیان های یک جامعه مدنی مانند آزادی تشکیل احزاب و تجمعات، آزادی رسانه ها، حق داشتن اقتصاد و رفاه، حق مشارکت سیاسی فعال و... تبیین گردیده است اما حدود این آزادی به نوعی توسط نهادهای زیر مجموعه دولتی محدود گردیده است. اقتصاد متکی بر نفت سبب گردیده است که دولت با خودمحموری و تک بعدی نگری اقتصادی جامعه را در تک نگرشی اقتصادی نگه داشته که هم شفافیت مالی را با مخاطره جدی مواجه ساخته و هم جلوی ایجاد تشکل های مدنی در مقابله با رانت نفتی را بگیرد. وابستگی رسانه ای به سوسیدهای دولتی رسانه های دیداری و نشیداری را به نوعی به رسانه ملی تبدیل نموده است و علنا مطبوعات آزاد در ایران با چالش جدی در مفهوم مبنایی خود روبه رو هستند. مشارکت سیاسی یکی دیگر از جلوه های جامعه مدنی است که مشارکت سیاسی نقادانه در کشور چندان اجرایی نگردیده است و اشخاص نقاد معمولاً با کینه تیزی و برخوردهای امنیتی مواجه خواهند گردید از این منظر می توان گفت که هر چند قانون اساسی ما به نوعی مبانی و بنیان های ساختاری یک جامعه مدنی را شکل داده است اما به دلیل محدودیت های اقتداری توسط حاکمیت ما با جامعه ای محدود شده روبه می باشیم.

منابع

کتاب

۱. بشریه، حسین، موانع توسعه سیاسی در ایران، نشر کارنو، چاپ یازدهم، ۱۳۹۸
۲. حقیقت، سید صادق، چالش های نظری جامعه مدنی در حکومت اسلامی، تحقق جامعه مدنی در انقلاب اسلامی ایران (مجموعه مقالات)، تهران، سازمان مدارک انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶
۳. دفتر مطالعات سیاسی، تأثیر جامعه مدنی بر روند سیاستگذاری خارجی، نشر دفتر مطالعات سیاسی وزارت امور خارجه، مرداد ۱۳۸۴
۴. دفتر مطالعات بنیادین حکومتی، ماهیت قانون در قانون جمهوری اسلامی، چاپ توسط مرکز پژوهش ها مجلس شورای اسلامی، بهمن ۱۳۹۴،
۵. هاشمی، سید محمد (۱۳۹۱): حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران (حاکمیت و نهادهای سیاسی) تهران. نشر میزان، جلد دوم،

مقالات

۶. جوان آراسته، حسین، مبانی حاکمیت در قانون اساسی، مجله فقه و اصول حکومت اسلامی، شماره ۲۱۰، ۱۳۸۰
۷. خوزانی، محمد قاسمی، بهنام عطا، دهقانی، حسین، موسی زاده، حسین، بررسی نقش سرمایه اجتماعی شهر بیرجند با تأکید بر بعد مشارکت از دیدگاه شهروندان و مدیران شهری، حل انتشار: هفتمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران (جغرافیای سیاسی شهر)، ۱۳۹۲
https://www.civilica.com/Paper-GEOPOLITICS07-GEOPOLITICS07_169
۸. صفرخانی، حسن، در «نقض و جایگاه سازمان های غیردولتی در امر نظارت و مبارزه با فساد»، علیرضا دیهیم، بولیتن پژوهشی مرکز پژوهش و برنامه ریزی سازمان بازرسی کل کشور، ۱۳۸۷
۹. دیهیم، علیرضا، «نقض و جایگاه سازمان های غیردولتی در امر نظارت و مبارزه با فساد، بولتن پژوهشی مرکز پژوهش و برنامه ریزی سازمان بازرسی کل کشور؛ ۱۳۸۷
۱۰. قطبی، میلاد، بهادری جهرمی، علی، محدودیت های آزادی در اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال پنجم، شماره دهم، بهار و تابستان ۱۳۹۵
۱۱. کهنه پوشی، مصلح، ویژگی های جامعه ی مدنی و پیامدهای آن، مجله زیربار، شماره ۵۶ و ۵۷
۱۲. مالکی، جلیل، واعظی، زهرا، آزادی مطبوعات در منظر حق دسترسی آزاد به مطبوعات، مجله رهیافت، سال بیست و سوم، شماره ۴، ۱۳۹۱
۱۳. موثق، آناهیتا و اسماعیل پورفداکار، شاهین و ویسی، هوشیار و بهینا، مسیح، و صدری، علیرضا و صادقی زیاری، حاتم، گزارش خلاصه‌ای از مطالعه تطبیقی مجالس قانونگذاری ایران و برخی کشورهای جهان (انگلستان، فرانسه، آلمان، آمریکا، آفریقای جنوبی، مصر و مالزی) شماره مسلسل ۷۰۲۴. دفتر مطالعات حقوقی، ۱۳۸۳
۱۴. میرزا خانی، عبدالرحمان، درویشی، صیاد، بررسی رابطه انسجام اجتماعی با پیشگیری اجتماعی از جرم، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۳
۱۵. مسعود، زهرا، ساعی، احمد، آینده‌پژوهی جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران با استفاده از روش تحلیل ماتریس SWOT، مجله رهیافت انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۳۹، تابستان ۱۳۹۶
۱۶. مصطفی پور، علی، عباد، علیرضا پور، عبدالله زاده، سیروان، بررسی رابطه ی اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی زندانیان شهرستان بوکان)، قابل دسترس در:
<http://west-azarprisons.ir/2016/01/06/3142>
west-azarprisons.ir › wp-content › uploads › 2016/01
۱۷. ورهرامی، ویدا، لایق گیگلو، جبار، لایق گیگلو، وحید، تاثیرات زکات بر توزیع درآمد در ایران طی سال های ۱۳۸۰ الی ۱۳۹۰، دوفصلنامه علمی پژوهشی، جستارهای اقتصادی ایران، شماره ۲۵ بهار و تابستان ۱۳۹۵

۱۸. هزار جریبی، جعفر، بررسی احساس عدالت اجتماعی و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی (۴۳)، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰.
۱۹. نجفپور، شعبان، اخلاق در رسانه؛ چالشهای اساسی و توصیه های ملی، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال نهم، شماره ۳، ۱۳۹۳.